

## افزایش جریمه راننده‌های متخلف در نوروز

اصل و شرح

از ۲۰ اسفند تا پایان تعطیلات جرایم رانندگی با افزایش یک سوم محاسبه می‌شود؛ این خبری است که سر‌دار سید تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا اعلام کرده و گفته رانندگانی که مرتکب تخلف سرعت‌های خطرناک

و حادثه‌ساز شوند، علاوه بر اعمال قانون، خودروی آنان به‌مدت ۳ روز توقیف خواهد شد. او در ادامه کرده برای راننده‌های بی احتیاط خط‌و‌نشان‌هایی هم کشیده و اعلام کرده سرعت لحظه‌ای و سرعت میانگین خودروها به‌صورت مستمر از طریق سامانه‌های هوشمند کنترل می‌شود و رانندگانی که مرتکب تخلف سرعت‌های خطرناک و حادثه‌ساز شوند، علاوه بر اعمال قانون،

## افطاری ساده همسایه‌ها

سفره‌های افطار با مهربانی همسایه‌ها رنگین است

افطاری ساده، مردمی‌ترین چهره ماه رمضان است؛ آیینی که در همه‌جا انجام می‌شود و مقدماتی لازم ندارد. می‌توان این کار را با کمترین هزینه در یک محله کوچک در خوابگاه دانشجویی در جمع کارگران کارخانه، در بنیاد متبرکه و زینتگاه‌ها یا هر جا که روزهداران به ساعت اذان مغرب رسیده‌اند، انجام داد. حتی سخت‌ترین مشکلات زندگی شهری هم نمی‌تواند به این جلوه‌دینداری در جامعه ما آسیبی وارد کند. چند نمونه از جلوه‌های افطاری ساده را مرور می‌کنیم.

گزارش

چند سالی است که پوشش «کوچه افطاری» این سنت را دوباره در محله‌ها رونق می‌دهد. ساعتی مانده به اذان مغرب بسته‌های کوچک نان، پنیر، سبزی، خرما و... آماده می‌شوند. در کوچه‌های باریک اهالی محله فرش‌های خانه‌هایشان را بیرون می‌آورند و در وسط کوچه پهن می‌کنند. سفره طولانی روی فرش‌ها پهن می‌شود و همه به انتظار نوبت اذان می‌نشینند تا با استکانی چای، روزه خود را باز کنند. ماه رمضان امسال، این پوشش کوچه‌ها را زنده کرده و همسایگان را به هم پیوند داده است. عکس‌های پوشش «کوچه افطاری» محله عبدالاباد امسال در

فضای مجازی و رسانه‌های رسمی منتشر شده است. وقتی همسایه‌ها در تدارک افطار به هم کمک می‌کنند، پیوند میان هم‌محلی‌ها که در سبک زندگی جدید به خط افتاده است دوباره برقرار می‌شود. افطاری ساده سال‌هاست که در دانشگاه‌ها برگزار می‌شود. کلاس‌های عصر که گاهی تا نزدیکی غروب خورشید ادامه پیدا می‌کند باعث می‌شود که جمعی از دانشجویان تا اذان مغرب در فضای دانشگاه حضور داشته باشند. همین دانشجویان هستند که سفره‌های افطاری ساده را برپا می‌کنند. پردیس‌های بزرگ دانشگاهی که شامل چندین دانشکده می‌شوند این روزها شاهد افطاری ساده در نمازخانه‌ها یا گاهی فضای باز هستند. افطاری ساده به همین ترتیب در خوابگاه‌های دانشجویی نیز برگزار می‌شود. دانشگاه تهران سابقه طولانی در این کار دارد و امسال هم در پردیس مرکزی و در خوابگاه‌های فاطمی و متاهلین و مسجد کوی دانشگاه سفره افطاری ساده گسترده شد.

موبک‌های کنار خیابان را باید مهم‌ترین متبرکان افطاری ساده دانست که مسافران مانده در ترافیک عصر گاهی را نجات می‌دهد. مسافرانی که کمی مانده به اذان مغرب برای رسیدن به مقصد حرکت کرده‌اند و درون جریان خودروها گیر افتاده‌اند، جایی برای باز کردن روزه خود



خودروی آنان به‌مدت ۳ روز توقیف خواهد شد. حسینی یادآور شده تاکنون ۳۸۰۰ نقطه بر تصادفات شناسایی شده و با حمایت دولت، اقدامات اصلاحی در این مناطق در دست‌ساز کار قرار گرفته تا ایمنی سفرهای نوروزی به‌طور قابل توجهی افزایش یابد.



## بازار سیاه شربت تریاک

داروی نگهدارنده معتادان در حال بهبود در بازار رسمی پیدا نمی‌شود

ناصر خسرو و جایی که در مغازه‌های قدیمی دوربین عکاسی قرار دارد با داروهای دیگر صحبت می‌کنیم. یکی از آنها بیشتر داروهای کمیاب مربوط به بیماری‌های مزمن را خرید و فروش می‌کند اما می‌گوید که هر قدر شربت اوپیوم که بخواهیم همین الان دم دست دارد. پول به‌صورت کارت به کارت جابه‌جا می‌شود و شربت را همان موقع تحویل می‌دهند. قیمت او هم شیشه‌های ۵۰ میلی‌لیتری تومان است. می‌گوید که قیمت در چند ماه اخیر گران شده و اوایل سال ۱۴۰۴ هر شیشه یک و نیم میلیون تومان بود. به‌گفته این دارو فروش، در شهرستان‌ها شربت اوپیوم ارزان‌تر از تهران است و با معرفی نام‌های پزشکی شاید بتوان شربت دولتی هم از کلینیک‌ها پیدا کرد. منظور از «کلینیک» مراکز درمان اعتیاد به مواد مخدر هستند که با مجوز وزارت بهداشت بیماران (معتادان) را پذیرش می‌کنند، با داروهای مختلف مراحل سه‌دوره‌ای را انجام می‌دهند و بعد از آن معتادان باید برای مدتی هر روز چند قاشق شربت تریاک بخورند تا به‌تدریج کمبود ماده افیونی دوباره سراغ دود کردن تریاک نزنند. شربت اوپیوم برای ترک انواع دیگر مواد مخدر هم کاربرد دارد.

**محمد سسرایی | روزنامه‌نگار | خیابان ناصر خسرو، پانوق دارو و فروشانی است که در کنار داروهای کمیاب و نایاب، شیشه‌های شربت تریاک را چند برابر قیمت دولتی می‌فروشند؛ زیرا چند ماهی است که این شربت در مراکز دولتی پیدا نمی‌شود. از جایی که سساختمان عظیم مخابرات سایه انداخته است تا جایی که سر در باستانی دارالفنون قرار دارد، عده‌ای در گوشه و کنار پیاده‌رو ایستاده‌اند و زیر لب زمزمه می‌کنند «دارو... دارو». در یکی از روزهای اسفندماه کمی مانده به ظهر، سراغ دارو فروش‌های خیابان ناصر خسرو رفتیم تا از بازار یکی از داروهای اصلی ترک اعتیاد خبر بگیریم؛ شربت تریاک، اوپیوم یا تننور تریاک؛ دارویی که در دوران قطع مصرف مواد مخدر، باید هر روز چند قاشق توسط فرد بیمار مصرف شود تا درد خماری باعث بازگشت معتاد به سمت مواد نشود.**

دریچه

سه‌میه کلینیک

بر خلاف بازار رسمی که چند ماهی است در آن خبری از شربت تریاک نیست این دارو در ناصر خسرو به وفور پیدا می‌شود اما با قیمت‌های سرسام‌آور! یک شیشه شربت تریاک ۲۵۰ میلی‌لیتری پلمب شده با نشان فاران حدود ۵ میلیون تومان؛ این در حالی است که قیمت این دارو تا آذر ماه در همین بازار سیاه ناصر خسرو یک میلیون بود (قیمت دولتی ۱۰۰ هزار تومان بوده است). در ناصر خسرو که قدم می‌زنیم، فروشنده‌ها مشغول جذب مشتری‌اند. مرد میانسالی با ته‌ریش سفید در ابتدای خیابان ناصر خسرو مدعی است شربت راز کلینیک به قیمت ۵ میلیون تومان گرفته است و حالا ۵ میلیون و ۵۰۰ می‌فروشد. تضمین می‌دهد که شربت پلمب واقعی است و از واسطه نبرده؛ چون واسطه‌ها شیشه‌های خالی شربت را با اشغال پر می‌کنند. جلوتر می‌رویم؛ کمی جلوتر پسر جوانی با لپچه شمالی بازار گرمی می‌کند. حواسش به همه چیز هست؛ حتی گفت‌وگوی ما با فروشنده اول! «او چقدر قیمت داد؟» بعد ۵۰۰ هزار تومان کمتر از او قیمت می‌دهد. البته ادعایشان مشابه است: «شیشه شربت تریاک را از کلینیک خریده‌ایم». در حالی همه فروشنده‌گان این ادعا دارند که قیمت شربت تریاک دولتی با سه‌میه کلینیک‌ها قیلا حدود ۱۰۰ هزار تومان بود. درون خیابان



شربت صادرانی

امسال شربت تریاک دچار «اتارازی» شد. کمبود این شربت، ناگهانی اتفاق نیفتاد. از اول سال مسئولان حوزه مواد مخدر و بهداشت گفتند که حجم تریاک کشف شده از باند‌های مواد مخدر کم شده است و برای تولید شربت کافی نیست. این هشدارها هر ماه بیشتر شد. با کاهش توزیع، ذخایر شربت تریاک کمتر شد و حالا در مانگران مواد مخدر می‌گویند که کاهش یا قطع توزیع شربت باعث می‌شود عده زیادی از معتادان از مسیر ترک خارج شوند. مخالفان می‌گویند که کلینیک‌ها راه توزیع شربت درآمد داشتند و نگران آن هستند. به‌گفته علی غلامی، رئیس انکون پزشکیان در مانگرا اعتیاد کشور، شیشه‌های شربت تریاک با تعداد مشخص از طرف سازمان غذا و دارو به کلینیک‌ها تحویل داده شده و شیشه‌های خالی پس گرفته می‌شود. از آبان امسال هم شربت تریاک و دیگر داروهای مرتبط با درمان اعتیاد کمیاب شده و بعضی از مراکز هیچ شربتی دریافت نکرده‌اند. غلامی گفته است که روی بعضی از شربت‌های جدید عبارت «برای صادرات» دیده می‌شود. او عقیده دارد که بخش زیادی از شربت که باید برای درمان بیماران کلینیک‌ها مصرف شود به بازار سیاه، نشت می‌کند یا صادر می‌شود.

## پایان ۴۳ سال چشم‌انتظاری

از تیر سال ۱۴۰۴ تا اسفند ۱۴۰۳، دیگر دلش آرام است و هر روز و هر شب چشمش به دنبال اخبار نمی‌دود تا شاید ردی یا نشانی از فرزند زنده‌شده‌اش در لبنان پیدا کند. حالا که مراسم تشییع این مادر چشم‌انتظار



## گزارش

## بهار بازار

گشت و گذار در هزار توی بازار بزرگ در روزهای پایانی سال



اسپند دونه‌دونه به هزار توی بازار

وقت ظهر است و شماری از جمعیت با کیسه‌های خرید به نزدیکی مسجد امام (ره) و آستان امامزاده زید (ع) رسیده‌اند. «آقا، راسته روسری فروشا کجاست؟»، «از کدام طرف برم سرای اجیل فروشا؟»، «از اینجا به گذر چمدون و کیف فروشا راه هست؟» کرلایی احمد، سر حوصله به همه این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: «حق دارن، بازار، هزارتا تو داره، بلدش نباشی، گم می‌شی...» حول چهارسوق بزرگ، تسبیح می‌فروشند؛ شامه‌مقعود، فیروزه و تربت؛ از ۱۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان. بوی اسفند، سر هر گذر و دالان، تازه می‌شود، زنانی چادر سیاه به کمر بچپانده، در آرای دست و دلبازی کسبه (معمولاً بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان) مُشتی اسپند دود می‌کنند.



اسپند دونه‌دونه به هزار توی بازار

گزارش

جمعیت است و جنس و دستفروشان، بازار شب عید است و نرم نرمک، بوی نوروز از هزار توی بازار بزرگ می‌آید. گزارش زیر، خرده‌روایت‌هایی از حال و هوای همین روزهای بازار است.

می‌آیند. کسانی با مترو و کسانی هم با تاکسی، اتوبوس و موتورسیکلت از راه می‌رسند. صدای خیابان و خودروها در صدای داد‌ن‌های طناب و فروشندگان آتش به مال زده و خریداران زنبیل آورده، پیچیده و تا چشم کار می‌کند،



قیمت مقطوع، عیدی غیرمقطوع

دستفروشان همه جا هستند؛ از ابتدا تا انتهای هر گذر، تیمچه و دالان‌های بازار، بی‌سایه بعضی‌شان جای سوزن‌انداختن نیست: «بیا این رو بازار که حراجش کردم...» گرد بی‌سایه بعضی دیگر، چانه‌زنی با «مرگ من...» و «چون شما...» گر گرفته و دور و بر تعدادی هم قرق است؛ فرق مشتری‌های حساس و وسواس که سر شانه تاقد رخت و لباس انتخابی را واجب به فریب اندازه می‌گیرند. عبارت «بازار باشه»، بسیار گفته و شنیده می‌شود. مغازه‌داران نیز چندان فرصت سرخاراندن ندارند: «بفرما، اینم همون رنگ و سبزی که می‌خواستی»، «خوش اومدید... اینجا مغازه مشکل بسندانه»، «سلطان؛ قیمت‌ها مون مقطوعه»، «بچی به پنجاهی، عیدی نمی‌دی به ما...»

میان هیاهوی بازار شب عید، گاهی صدای زنگ هشدار ورودی‌های ضدسرقت فروشگاه یا مغازه‌ای به گوش می‌رسد؛ صدایی که شور به دل بسیاری می‌اندازد تا بیشتر مراقب جیب و کیف خود باشند. باربران از سنگینی بار و شلوغی راه به هن‌هن افتاده‌اند: «بیا آقا... برو کنار خانوم...» شرافت، زنی سالخورده است که همراه خانواده دخترش از خرم‌آباد آمده تا رسم خرید عروس (نوش) را بجا آورد. «گفتم نه‌جان، من نیم‌بهره، باگیرتان می‌شم...» کناری نشسته و نفس جاقی می‌کند. جومه‌اش (لباس محلی) خاکستری رنگ و چارقش سفید است. چشمان لعاب‌دارش، بی‌چرخ‌های خشک‌گاری باربران، می‌دود. غصه‌شان را می‌خورد که مدام زیر لب می‌گوید: «ای روله‌جان...»

مکت

## سفر با چمدان بتمن و کوه با تبرنجان

پوشاک و وسایل خانه بیشترین مشتری را دارند. کت‌های زنانه، کالکشن بهاره از ۷۰۰ هزار تومان تا بیش از ۳ میلیون تومان. پیراهن‌های مردانه از ۵۰۰ هزار تومان تا بیش از یک میلیون تومان. پوشیدنی‌های زمستانه هم که خوب حراج خورده‌اند. پدرا، فروشنده کیف و کوله و چمدان در سرای مشیر خلوت است: «فصل کار ما یکی اول مهره که مدرسه‌ها با می‌شن و یکی هم آخر اسفند که مردم می‌زن سفر». هانیه، خریدارانه به ردیف چمدان‌ها نگاه می‌اندازد: «پلی کربنات هم داریم؟» پدرا می‌گوید: «چه سبزی؟»



سنگینی بار، ترجیح می‌دهند.